



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِلَيْهِ خَيْرُنَا صِرْ وَمَعِينُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ: فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ رِجَالٌ
لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

زيارتگاه کفیل

نزدیک کوفه
و در راه حله

موضع صخره آیت الهی، مرقد انبیاء و اوصیاء الهی سام و ارتشخد و یهودا و حزقیال،
اردوگاه مولا علی برای صفین و نهروان، مصلاهی ائمه و اصحاب و شهدای باوفا علیهم السلام

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علی: داسر المعارف الإلهیة

تحقیق و تدوین و نشر: پژوهشگرده علوم معرفت الهی بنیاد حیات اعلی

اهمیت مزار کِفَل یا نُحَيْلَه (نزدیک کوفه)

سؤال:

مزاری که در ناحیه نخيله و شهر کفل بین کوفه و حله در عراق واقع است؟ آیا مزار معتبري است؟ و از مزارات اهل معرفت است؟ صاحب قبر کیست؟ آیا همان ذوالکفل عليه السلام مذکور در قرآن کریم است؟

جواب:

{۱}. مزار مذکور از مزارات معتبر اهل معرفت مؤمنین و مسلمین است. همچنین مزار معتبری نزد بني اسرائيل است. در آنجا شخصيتهاي متعددي از برگزیدگان الهي دفن شده اند، مثل يهودا بن يعقوب که از اسباط حضرت ابراهيم عليه السلام بوده است، و به نقل بني اسرائيل؛ قبور حزقیال یا حزقیل (חֲזַקְיָא عبري) (حسقیل = يهود و عرب محلي) و قبور جناب سام (فرزند و وصي حضرت نوح) و جناب ارفخشذ (فرزند و وصي حضرت سام) عليه السلام نیز در آنجاست.

{۲}. اما نام کفل (کِفَل = چِفَل = به لهجه عربي محلي) که بر مزار و ناحیه و شهر محیط مزار اطلاق مي شود، به عنوان وصف و لقي است که به انبياء الهي عليه السلام مدفون در آن مزار اطلاق مي شده است، و به معني کفالت و سرپرستي قوم خودش، و نیز عنواني معادل (ضامن) نزد ایرانیان است، که پناه به ایشان سبب کفالت و ضمانت ایشان نزد خداوند می گردد، این اصطلاح و مشتقات مشابهش در عراق هنوز مرسوم است که برای شخصيتهاي معنوي (مورد التجا

و توسل) بکار می برند، مثل تعبیر (الکفیل) که برای حضرت ابوالفضل عباس بن علی علیه السلام متداول است، فلذا این لقب محدود به یکنفر در کل تاریخ بشریت نبوده است.

{۳}. ذالکفل نبی و مرسل الهی علیه السلام که در قرآن دوبار یاد شده است، از همین جهت تکفل و کفالت (فوق الذکر) موصوف شده است، البته به تفصیلی که در احادیث شریفه نقل شده است، ذالکفل (قرآنی) در دوران انبیاء الهی بعد از حضرت داوود نبی علیه السلام ماموریت یافته است، و نام وی عویدیم، و از بنی اسرائیل حضرموت بوده، و در زمان الیسع نبی علیه السلام می زیسته، وقتی الیسع علیه السلام کهنسال گردید؛ اعلام کرده چه کسی متکفل امر امت بعد از من می شود به سه شرط (اول: روزها روزه بگیرد، دوم: شبها بیدار به عبادت و نماز باشد، سوم: به هیچ وجه غضب نکند و خشم به او دست ندهد جز برای خدا)؟ جوانی از میان امت این سه شرط را پذیرفت، و خداوند بعد از وفات الیسع علیه السلام او را به پیامبری برگزید، وی به دعوت و رسالت الهی و قضاوت میان امت مشغول بود، و بخاطر اعلام التزام هیچگاه خشمگین نشدن؛ ابلیس برای به خشم درآوردن وی همه جنودش را بسیج کرد، ولی موفق نشدند، تا اینکه خودش به روش پیچیده ای بدان کوشید؛ و باز موفق نگردید، و شرحش در بحار الأنوار ج ۱۳ ص ۴۰۴ آمده است. و چون حضرتش متکفل امر امت در برابر آن شروط بود، و به عهدش با پیامبر الیسع علیه السلام موفق شد؛ فلذا به ذالکفل علیه السلام موصوف گردید. حضرت ذالکفل علیه السلام در ناحیه ماموریت حضرت الیسع علیه السلام بوده، و درباره ناحیه ماموریت الیسع علیه السلام آمده است که در شهر بعلبک (لبنان امروز) بوده، و برخی گفته اند که ایشان در قلمرو پادشاه بعلبک بوده، اما محل اقامت و

دعوتشان بطور مشخص؛ شهر بانیاس سوریه بوده است. و در هر صورت قبر
ذالكفل قرآنی عَلَيْهِ السَّلَامُ در ناحیه کفل حله عراق نمی باشد، بنابراین مدفون مزار
کفل حله عراق؛ پیامبر دیگری جز ذالكفل قرآنی عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

🔴 روایت اول در معرفی ذالكفل قرآنی: الصدوق ، عن الدقاق ، عن الاسدي ، عن سهل
، عن عبدالعظیم الحسني قال : كتبت إلى أبي جعفر الثاني عَلَيْهِ السَّلَامُ أسأله عن ذي الكفل ما اسمه؟
وهل كان من المرسلين؟ فكتب صلوات الله وسلامه عليه : بعث الله تعالى جلی ذكره مائة
ألف نبي وأربعة وعشرين ألف نبيا ، المرسلون منهم ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلا، وإن ذا الكفل
منهم صلوات الله عليهم، وكان بعد سليمان بن داود عَلَيْهِ السَّلَامُ، وكان يقضي بين الناس كما كان
يقضي داود، ولم يغضب إلا لله عزوجل، وكان اسمه عويديا وهو الذي ذكره الله تعالى حلت
عظمته في كتابه حيث قال: «واذكر إسماعيل واليسع وذا الكفل وكل من الاخبار». (بخار الأنوار ج ۱۳ ص ۴۰۴ ح ۲).

🔴 روایت دوم در معرفی ذالكفل قرآنی: الصدوق، عن الطالقاني، عن أحمد بن قيس، عن
أحمد بن محمد بن أبي البهلول، عن الفضل بن نفيس، عن الحسن بن شجاع، عن سليمان بن
الربيع، عن بارح بن أحمد، عن مقاتل بن سليمان، عن عبدالله بن سعد، عن عبدالله بن عمر
قال: سئل رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقيل له: ما كان ذو الكفل؟ فقال: كان رجلا من حضرموت
واسمه عويديا بن ادريم، قال: من يلي أمر الناس بعدي على أن لا يغضب؟ قال: فقام فتى
فقال: أنا، فلم يلتفت إليه، ثم قال كذلك؛ فقام الفتى، فمات ذلك النبي، وبقي ذلك الفتى
وجعله الله نبيا، وكان الفتى يقضي أول النهار، فقال إبليس لاتباعه: من له؟ فقال واحد منهم
يقال له الابيض: أنا، فقال إبليس: فاذهب إليه لعلك تغضبه، فلما انتصف النهار جاء الابيض
إلى ذي الكفل وقد أخذه مضجعه فصاح وقال: إني مظلوم، فقال: قل له: تعال، فقال: لا
أنصرف، قال: فاعطاه خاتمه، فقال: اذهب وايتني بصاحبك، فذهب حتى إذا كان من الغد
جاء تلك الساعة التي أخذ هو مضجعه، فصاح: إني مظلوم، وإن خصمي لم يلتفت إلى
خاتمك، فقال له الحاجب: ويحك (ويلك) دعه ينم، فإنه لم ينم البارحة ولا أمس، قال: لا

أدعه ينام وأنا مظلوم، فدخل الحاجب وأعلمه فكتب له كتابا وختمه و دفعه إليه، فذهب حتى إذا كان من الغد حين أخذ مضجعه جاء فصاح فقال: ما التفت إلى شيء من أمرك، ولم يزل يصيح حتى قام وأخذ بيده في يوم شديد الحر لو وضعت فيه بضعة لحم على الشمس لنضجت، فلما رأى الأبيض ذلك انتزع يده من يده ويس منه أن يغضب، فأنزل الله تعالى حل وعلا قصته على نبيه؛ ليصبر على الأذى كما صبر الأنبياء عليهم السلام على البلاء. (بخار الأنوار ج ١٣ ص ٤٠٤ ح ١).

{٤}. همچنانکه اشاره شد؛ لقب کفل یا ذوالکفل؛ به شخصیت‌های معنوی دیگری نیز داده شده است، مثل بشر نبی فرزند ایوب نبی (معروف به صبر) که از ذریه اسحاق نبی عليه السلام بوده، و ناحیه ماموریتش از روم قدیم (ترکیه فعلی) تا شام در دشت حوران (دمشق) بوده است.

و نیز این لقب برای پیامبری قبل از دوران حضرت عیسی عليه السلام بوده؛ که متکفل هفتاد پیامبر بنی اسرائیل شده، و ایشان را از عذاب و رنج اسارت بابل و طواغیت آن نجات داده است، و نیز برای ایشان کفالت کرد که اگر راه حق و کتاب خداوند را ملتزم باشند؛ خداوند مسیح عليه السلام را برای نجات نهایی شان می فرستد.

و نیز برای الیاس و یوشع بن نون و نیز برای حضرت زکریا (بخاطر کفالت مریم) عليه السلام موصوف بودن به این لقب نقل شده است.

همچنین بنا بر اعتقاد بنی اسرائیل؛ ذی الکفل لقب حزقیل (حزقیال) نبی عليه السلام بوده که در بقعه کفل حله عراق مدفون است. وی جزو اسرای پادشاه بابل بوده، که سرزمین و حکومت بنی اسرائیل را در فلسطین نابود کرده، و ایشان به بابل به اسارت برد (حدود ششصدسال قبل میلاد مسیح عليه السلام)، و از افراد

سرشناس ایشان در آن بقعه پنج تن مدفونند: ۱- باروخ (استاد حزقیل و صاحب سفر (کتاب) های اول تا چهارم باروخ)، ۲- یوشع (نه یوشع بن نون معروف) ۳- عزرا (اما نه آنکه ناقل تورات است) ۴- یوسف الریان ۵- یوحنا الیلمجی مدفونند که از حاملان تورات و تدوین کنندگان تلمود بابلی قدیم (کتاب شریعت بنی اسرائیل) بوده اند.

{۵}. ناحیه کفل جزو ناحیه نخيله؛ اردوگاه نظامی حضرت مولاعلي عليه السلام برای جنگهای صفین و نهروان بوده، و حضرات مولاعلي و امام حسن و امام حسین عليهم السلام در این مقام زیارت نموده و نماز گذارده اند، و بالتبع این مزار و مسجدش قدمگاه حضرات عليهم السلام هم بوده است، نقل شده سه بار این حضرات به این مقام آمده اند، یکبار در راه رفتن به صفین، و بار دوم وقتی در راه عزیمت به نهروان بودند، و بار سوم وقتی خبر شهادت والی حضرت برانبار رسید، و حضرتش در اینجا خطبه خواند، و از مردم بی وفا اظهار ملالت نمود، و ایامی چند بعد هم حضرتش به شهادت رسید.

{۶}. به روایت نصر بن مزاحم منقري؛ که روایات وقایع صفین را در کتاب وقعة صفین جمع کرده؛ و جامعترین کتاب درباره صفین است (و معاصر حضرات ائمه ششم تا دهم عليهم السلام بوده است)؛ وی نقل می کند، که از حضرت مولاعلي عليه السلام توضیحی درباره دو مزار بیان شده: یکی در کنار دریای نجف؛ قبر هود عليه السلام است، و دیگری درباره صاحب قبر مدفون در نخيلة؛ که مزار بزرگی است؛ و یهودیان امواتشان را اطراف آن دفن می کنند، پرسیدند، فرمودند: قبر یهودا پسر حضرت یعقوب عليه السلام است، که بنابر این روایت؛ جناب یهودا هم در اینجا مدفون است. و نفی کردند اقوالی را که می گوید هود نبی عليه السلام در این محل مدفون باشد.

👉 روایت تعیین مولا علی علیه السلام برای مدفون مرقد کفل: بقی امیر المؤمنین (علیه السلام)

بالنخيلة حتى اجتمعت إليه الجنود ولم يبرحها حتى قدم عليه ابن عباس باهل البصرة . ومرت عليه جنازة وهو بالنخيلة فقال ما يقول الناس في هذا القبر ، وفي النخيلة قبر عظيم يدفن اليهود موتاهم حوله فقال الحسن بن علي يقولون هذا قبر هود النبي لما أن عصاه قومه جاء فمات هاهنا قال كذبوا لأنا اعلم به منهم هذا قبر يهوذا بن يعقوب بن إسحاق بن إبراهيم (بكر يعقوب) ثم قال هاهنا أحد من مهرة؟(١) فاتي بشيخ كبير فقال أين منزلك قال على شاطئ البحر قال أين أنت من الجبل قال قريب منه قال وما يقول قومك فيه قال يقولون قبر ساحر قال كذبوا، ذاك قبر هود وهذا قبر يهوذا بن يعقوب. ثم قال عليه السلام) : يحشر من ظهر الكوفة سبعون ألفا على غرة الشمس والقمر يدخلون الجنة بغير حساب ، {كتاب وقعة صفين - نصر بن مزاحم} (1) مهرة ، بالفتح ، ابن حيدان بن عمران بن الحاف بن قضاعة ، وهم حي من اليمن

{٧}. نکته: نسبت قبر و مزار اصلي به يهودا؛ منافاتي با وجود قبور حزقیل و حواریانش در اینجا ندارد؛ چه اینکه تاسیس این مزار و اهمیت اولیه اش بخاطر یهودا بوده است، و او بر حزقیل (جزو انبیاء اسارت بابلی) مقدم و مهمتر بوده است، و طبیعی است که در بیان حضرتش به نام وی نامیده شود. و این حزقیل دارای سفری در اسفار ملحق به تورات فعلی یهود است (سفر حزقیال).

{٨}. جناب عمار یاسر رضی الله عنه نقل می کند که در خدمت حضرت مولا علی علیه السلام؛ بر ناحیه نُحْيَلَه در دو فرسخی کوفه گذشتیم، که از آن محل پنجاه نفر از یهود بیرون آمده، و عرض کردند: آیا شما هستی علی بن ابی طالب علیه السلام که امام است؟ حضرت فرمود: بله من همانم، آنها گفتند: در کتابهای (دینی) ما آمده که صخره ای در این ناحیه است که نام شش نفر از انبیاء الهی بر آن منقوش است، ولی آنرا نمی یابیم... تا آخر واقعه، که حضرت آن اسماء مبارکه را برای آنها مکشوف کرده، و نام شش پیامبر صاحب شریعت (آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیه السلام، محمد صلی الله علیه و آله)

بر آنها نوشته بوده است، در این واقعه چند اعجاز از حضرتش ظاهر می شود، که سبب اسلام آوردن آن بزرگان یهودیان می شود.

سید مرتضی، در کتاب عیون المعجزات ص ۳۴ نقل کرده است که: مرا حدیث گفت الحسن بن ابی الحسن السورائی؛ که به سند خودش آنرا به عمار بن یاسر رضی الله عنه رساند که، گفت: {كنت عند أمير المؤمنين عليه السلام إذ خرج من الكوفة وعبر بالضيعة التي يقال لها: النخيلة على فرسخين من الكوفة فخرج منها خمسون رجلاً من اليهود، وقالوا: أنت علي ابن أبي طالب الإمام عليه السلام؟ فقال: أنا ذا، فقالوا: لنا صحرة مذكورة في كتبنا، عليها اسم ستة من الأنبياء، وها نحن نطلب الصخرة فلا نجدها، فإن كنت إماماً فاجدنا الصخرة، فقال عليه السلام اتبعوني، قال عمار: فسار القوم خلف أمير المؤمنين إلى أن استطن بهم البر، وإذا بجبل من رمل عظيم، فقال عليه السلام: "أيتها الريح، أسفي الرمل عن الصخرة، فما كان إلا ساعة حتى نسفت الرمل عن الصخرة، وظهرت الصخرة، فقال عليه السلام: هذه صخرتكم، فقالوا: عليها اسم ستة من أنبياء على ما سمعناه وقرأناه في كتبنا، ولسنا نرى عليها الأسماء، فقال عليه السلام: الأسماء التي عليها وفيها فهي على وجهها الذي على الأرض، فاقبلوها فاعصوبوها عليها؛ فما قدروا على قلبها، فقال عليه السلام: تنحوا عنها، فمد يده إليها وهو راكب فقلبها، فوجدوا عليها اسم ستة من الأنبياء، أصحاب الشريعة آدم ونوح وإبراهيم وموسى وعيسى عليه السلام ومحمد صلى الله عليه وآله، فقال نفر من اليهود: نشهد أن لا اله إلا الله، وان محمداً رسول الله، وانك أمير المؤمنين، وسيد الوصيين، وحجة الله في أرضه، من عرفك سعد ونجا، ومن خالفك ضلّ وغوى، إلى الجحيم هوى، جلت مناقبك عن التحديد، وكثرت آثار نعمك عن التعديد}.

{۹}. توضیح: در این روایت آمده که این پنجاه نفر یهود (که مطلع از اسرار دینی بوده اند) از "نخيله" که (آبادی کوچکی بوده و به "ضيعة" تعبیر شده است) بیرون آمده و سؤال و درخواستشان را بر حضرت مولا علی عليه السلام عرضه کرده اند، وجود این تعداد دانشمند یهودی در چنین جای کوچکی که منحصر به سکونت یهود نبوده است، توجه برانگیز است، در سبب این امر وجوهی هست، از جمله: ۱- شاهد بر

مرکزیت مهم دینی ناحیه نخيله و کفل بخاطر مزار معظم آن نزد بنی اسرائیل علیرغم کوچکی محل، ۲- و نیز بخاطر وجود آن صخره که از آیات الهی بوده، و در کتابهای صحیح شان مطلع شده بودند، به این محل کوچ کرده و در آن اقامت نموده، تا روز کشف آن در زمان وصی و جانشین بر حق پیامبر اعظم آخر الزمان عجل الله فرجه را درک کنند، نظیر این اقدامات در موارد دیگر از جویندگان حقایق در میان امم گذشته (از جمله یهود و نصاری) ثبت شده است. ۳- با توجه به قدمت صخره (نشانه الهی) از دورانهای پیشین؛ و هدف از آن؛ هدایت بنی آدم در ادوار مختلفه آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله؛ و حاوی نام حضرات آدم و نوح و ابراهیم علیه السلام، منقوش بوده؛ و قبر اوصیای نوح علیه السلام هم در این مکان ذکر شده؛ چه بسا این امر سبب تقدس دینی این موضع از همان اوایل گردیده، و سپس آن بزرگان بخاطر این نشانه الهی وصیت به دفن خود در این مکان نموده اند.

{۱۰}. و برای زیارتگاه در کفل؛ بنایی عظیم بوده است:

👉 در نقل سیاحان و مورخین قرن پنجم هجری توصیف شده که: این مزار از روبرو شصت برج داشته، بین هر برج کنیسه ای، و میانه آنها کنیسه اعظم؛ که محل قبر حزقیل؛ و همه محل اعتکاف و عبادت بوده، و در فاصله نیم میل از قبر حزقیل؛ قبه هایی که قبور حنینه، میشائیل و عزریه؛ از بزرگان دینی بنی اسرائیل بوده (یعنی که بنای زیارتگاه کفل از هر طرف تا یک میل امتداد داشته است)، و در مجاورت این مرقد؛ مخزن مخطوطات دینی بنی اسرائیل بوده، که برخی تاریخش به زمان هیکل دوم می رسیده، دیوار محیط بر مزار را یهو یاقیم از ملوک دینی بنی اسرائیل؛ و در ایام اسارت بابلی ساخته است، و برج بزرگ این مزار دارای خاصیت جنبانیدن و لرزش بوده، که اگر قاعده آنرا می جنبانند با لرزش بسیار

قوي؛ رأس برج به حرکت در می آمده است، و هر ساله هزاران نفر از یهودیان برای زیارت این مزار از اطراف بلاد (ایران و روم صغری و عراق و شامات) می آمده اند، و در آغاز سال یهودی تا یوم الغفران و یوم کیپور در آنجا می ماندند، و در میان یهودیان عرب؛ مکانی بعد از قدس شریف؛ مقدستر از این مقام نبوده است، و در یکی از زوایای آن غاری بنام الیاهو بوده است، و در آنجا تابوت عهد و نیز اسفار پنجگانه تورات بخط حزقیال نگهداری می شده است.

🌸 در توصیف سیاحان قرن ششم هجری آمده است که: دیوارهای داخلی مرقد حزقیل؛ مطلاً بوده، و روی قبر با فرش زربافت و مطرز با نقوش زیبا و بسیار قیمتی پوشیده بوده، و قبر دارای ضریحی بقدر قامت؛ و از چوب ارز و آبنوس ساخته شده و طلاکوب بوده است، بالای قبّه ای که داخلش همه مطلاً؛ و مرصع به بلور؛ و بالای مرقد ۳۰ قندیل آویخته، و از میان آن قنادیل؛ قندیلی که شبانه روز روشن بوده، و می گفته اند: حزقیال بدست خود آنرا روشن کرده است، و دیگران پیوسته از آن زمان (طی قرون عدیده) بر روشن نگهداشتن آن مواظبت کرده اند، همین نقل شاهی است از یهود که اینجا مزار مقدسی قبل از زمان حزقیال بوده (حاوی مزار یهودا بن یعقوب)، و در هر نوبت از شبانه روز؛ ۲۰۰ خادم متولی خدمت این مزار بوده اند، که همه از نذورات زائرین تامین می شده اند، و بقیه نذورات به مصرف طلاب علوم دینی مشغول تحصیل در مدارس دینی حول این مرقد (تعلیم تورات و شریعت عبری) رسیده، و بقیه صرف تزویج ایتام می شده است. و در کنار مرقد بنای مجمع ربانیون و بزرگان دینی یهود قرار داشته، که در آن همواره بیست نفر از ربانیون مشغول تلاوت و تدریس تورات و کتب یهود بوده اند.

👉 در دوره اسلام؛ بسیاری از یهودیان این شهر مسلمان شده، و نیز مسلمانانی از سایر اکناف به این شهر هجرت کرده، و از میان ایشان بسیاری به مذهب حق مشرف گردیده، و همواره شیعیان و مسلمانان و یهودیان در طول تاریخ ۱۴ قرن اخیر با مسالمت می زیسته اند، و این مزار هم برای همه ایشان مورد زیارت بوده، و خلفای عباسی و سلاطین مسلمین هم عمران ها در آن نموده اند. از جمله مسجد بزرگ (مصلاي اميرالمؤمنين مولا علي ؑ)، و مناره ای توسط سلطان ایلخانی محمدخدا بنده در ۷۰۳ ه.ق، همچنین در سفر مرجع تقلید شیعه در قرن گذشته؛ شیخ جعفر کاشف الغطاء به این ناحیه؛ و انجام مناظراتی سبب شد تا جمع بسیاری از علما و مردم بني اسرائيل ناحیه کفل و نخيله مسلمان شوند، مرحوم علامه بحر العلوم هم به آنجا سفر نموده، و مناظراتی با بزرگان یهود ناحیه کفل داشته، که اخیرا رساله ای در شرح این مناظرات به طبع رسیده است.

👉 البته در قرون اخیر بخاطر هجمه بدویان عربستان؛ نواحی جنوب و میانه عراق نا امن شده؛ ولذا متولیان تزیینات و نفایس بقعه را جدا کرده، تا مورد طمع غارت و هجوم قرار نگیرد. و این تدبیر مدت کمی مفید بود، و بعدا بخاطر پناه گرفتن مردم در این بقعه در حمله بدویان؛ حتی ساختمانهای بی زیور و ساده این مزار نیز مورد هجمات و تخریب بدویان عربستان واقع گردید.

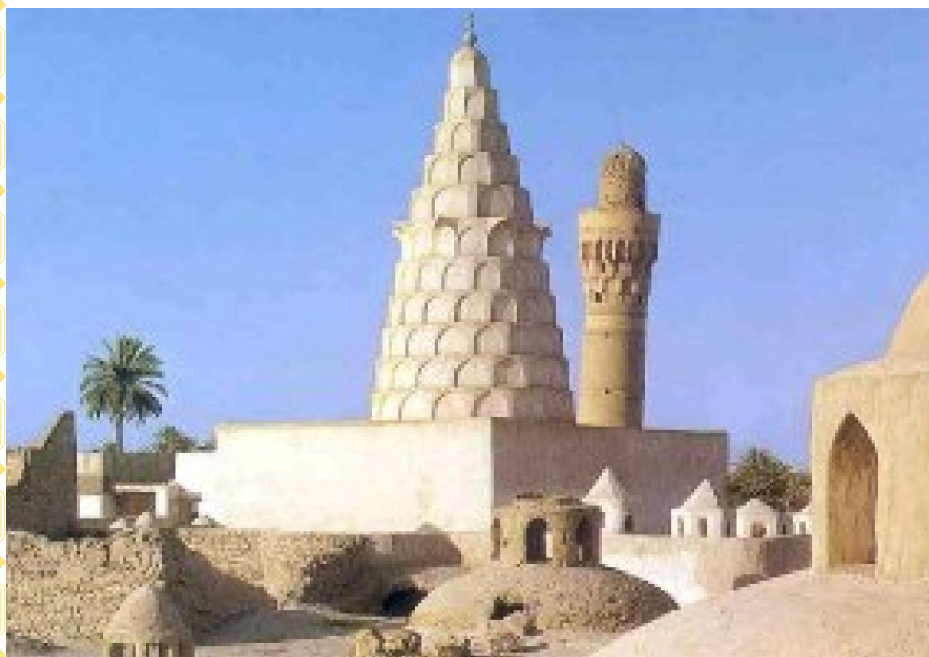
👉 علیرغم زندگی با مسالمت مسلمانان و یهودیان در طول تاریخ دوره اسلامی؛ اما در قرن نوزدهم و بخاطر تحریکات انگلیسیها؛ میان یهود نزاعی بر سر تصدی بقعه در گرفت، و با حکم دولت عثمانی به تصدی یهود، آثار اسلامی داخل بقعه همه تخریب و محو گردید، از جمله محراب نماز حضرت مولا علي ؑ و نیز منبر

سنگی رفیع آن؛ که محل خطبه حضرتش بنا شده بود، و نقوش و کتیبه های قرآنی و اسلامی داخل بقعه را از بین برده، و آثار آن محو شده است، و محراب و مسجد را به شکل معبد یهود درآوردند، و مسجد مصلاي مولا ﷺ را تبدیل به کاروانسرا و اصطبل کردند، (و این تخریبها و محو آثار قبل از استیلاي صهیونیستها بر فلسطین و در فاصله ۱۸۶۰ تا ۱۹۳۰ و در حقیقت شروع بروز صهیونیسم و هجمه یهود از کفل عراق بود)، و با رشوه های سنگین که به هیئت اعزامي عثمانی دادند؛ به دروغ اعلام کرد که: هیچ نشانه اسلامی (بعد از آن تخریبها) در این محل وجود ندارد!! علیرغم اینکه هنوز مناره دوران اسلامی باقی بود، که در تصویر گزارش هیئت عثمانی هم وجود داشت!!! و بخاطر رسوایی آن؛ در گزارشهای بعدی؛ قسمت وجود مناره را از تصویر چیدند! و مناره کفل ضرب المثل شد بر {چیزی که عیان و مشهود است ولی منکرش می شوند!}، حکومت عراقی دست نشانده انگلیس هم تصدی یهود را استمرار بخشید.

👉 تا اینکه در سالهای اخیر (بعد سقوط صدام)؛ دیوان اوقاف شیعی عراق با استفاده از اسناد و تصاویر و نقشه های تاریخی؛ خاکبرداری از نشانه های بناهای قدیم شروع نمود، و پایه های بناهای تخریب شده قدیمی اسلامی بازبانی گردید، و بر سبک همان بنای تاریخی قدیم؛ مسجد نخيلة بازسازی می گردد، ان شاء الله تعالی.

خلاصه: مزار کفل محل وجود صخره آیت الهی و نیز قبور سام و ارفخشذ و یهودا و حزقیل، و نیز قدمگاه و مصلاي سه امام ﷺ و بسیاری از بزرگان مانند حضرت عباس و اصحاب باوفا و شهدای صفین و نهروان (رضوان الله علیهم اجمعین) می باشد.

مناره اسلامی زیارتگاه کِفل با قدمت تاریخی هشتصدساله، که علیرغم وجود آشکارش؛ بخاطر رشوه کلان صهیونیستها به هیئت عثمانی نادیده گرفته شد، و هیئت عثمانی اعلام عدم وجود نشانه تاریخی اسلامی نمود



ازین رو مناره کفل ضرب المثل معروفی شد بر

انکار آنچه مشهود و عیان است

مانند مناره کِفل است



عده ای از روحانیان یهود کفل (در قرن گذشته)
در کنار مزار کفل (به صورتی که مناره اسلامی در تصویر نباشد)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





کاوش باستانشان در کشف بقایای بنای مسجد و مصلاى مولا على عليه السلام
که توسط صهیونیستها تخریب و محو شده بود









Mohammad Baider



امانة مسجد الفاروق
قسم الاعلام









13 1 2014



مركز الدراسات والبحوث
الاسلامية والاسلامية

www.alnukhailah.com mazar_alkifi@yahoo.com
facebook.com/annukhailah_mosque

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَسْجِدُ الْمَدِينَةِ
الْمَكِّيَّةِ

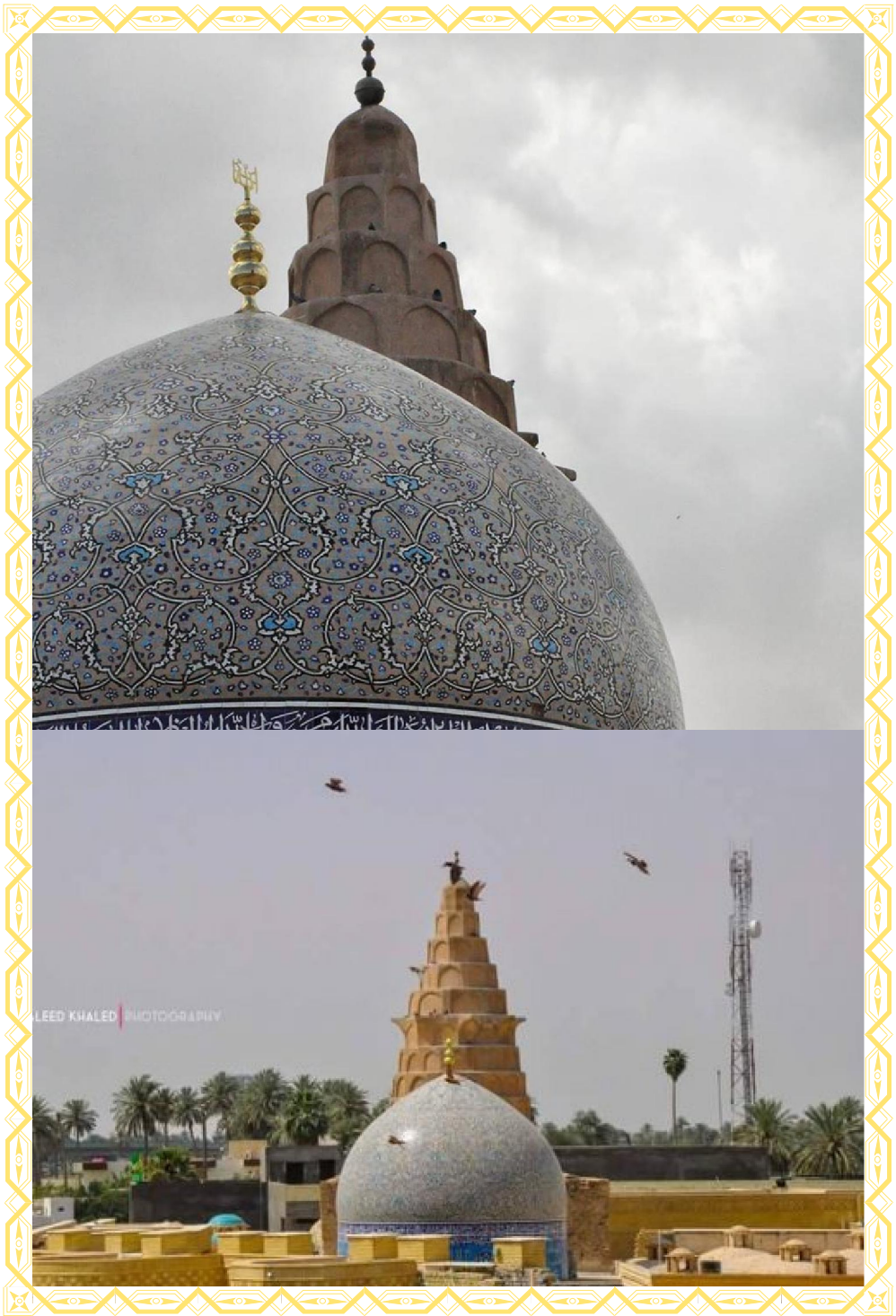


13-1-2014



13-1-2014





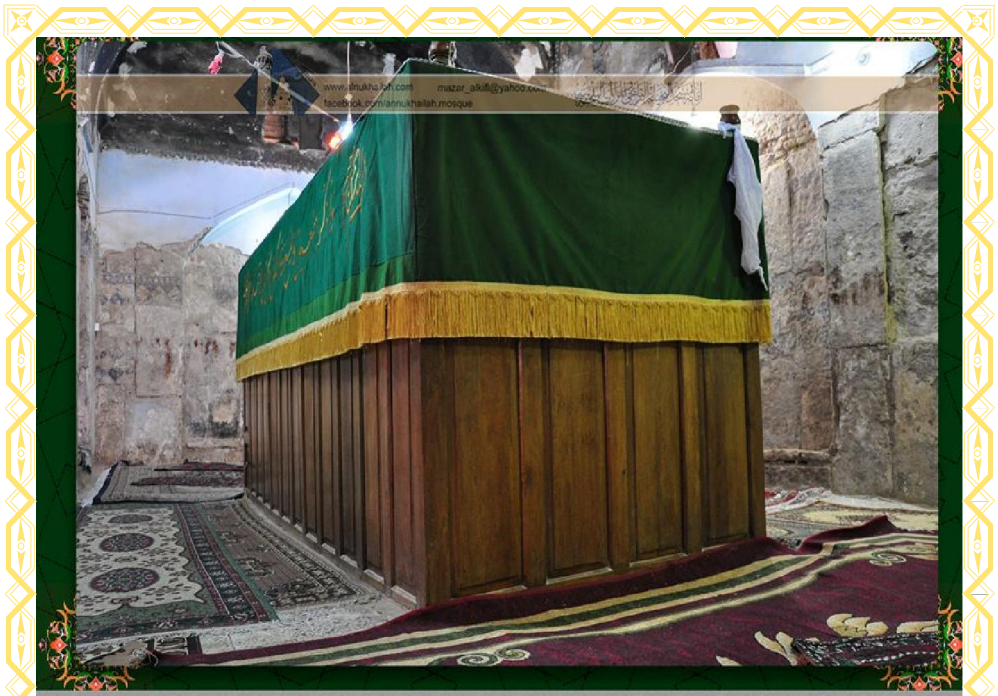
LEED KHALED PHOTOGRAPHY



13-1-2014







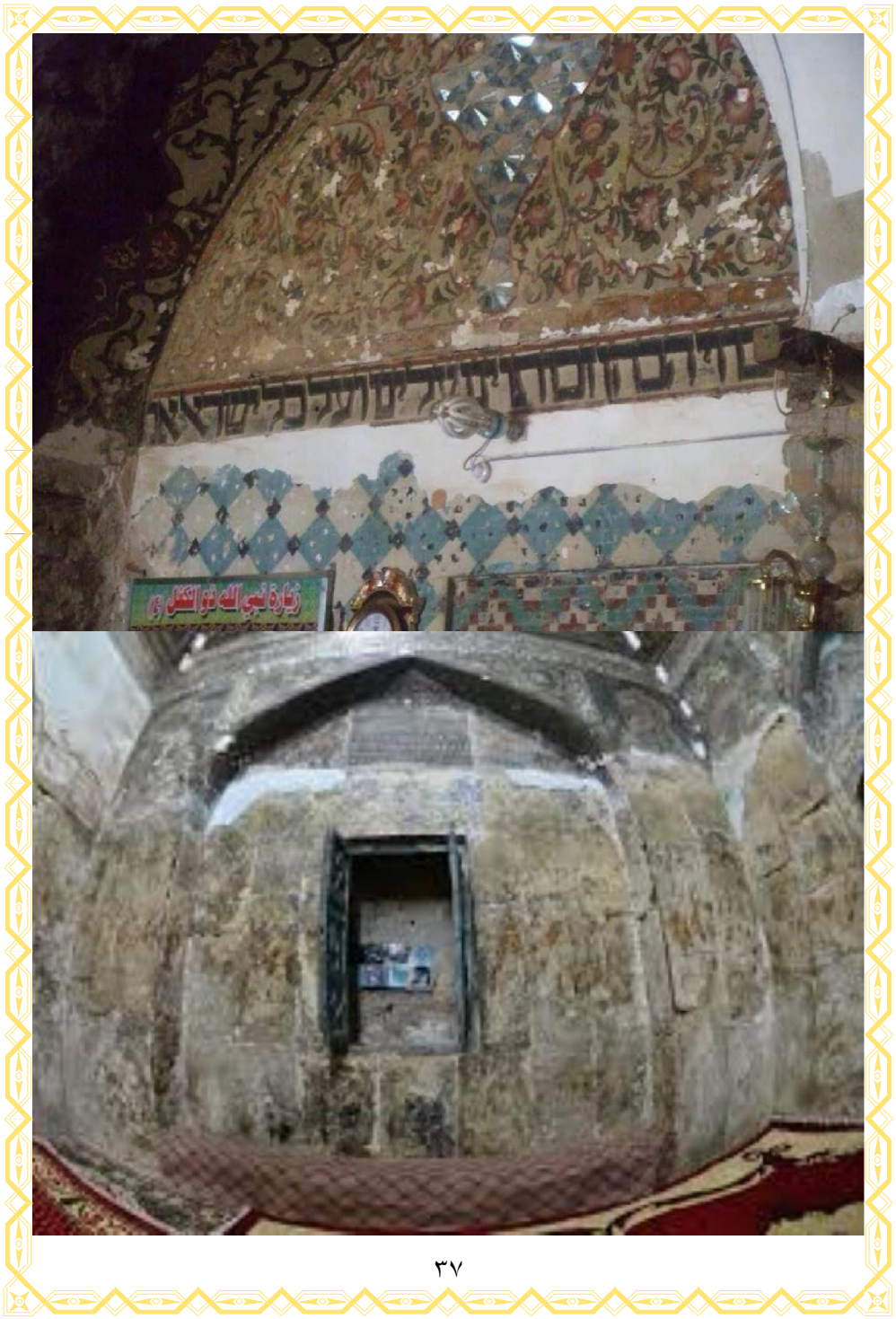








13-1-2014









13-1-2014



13-1-2014

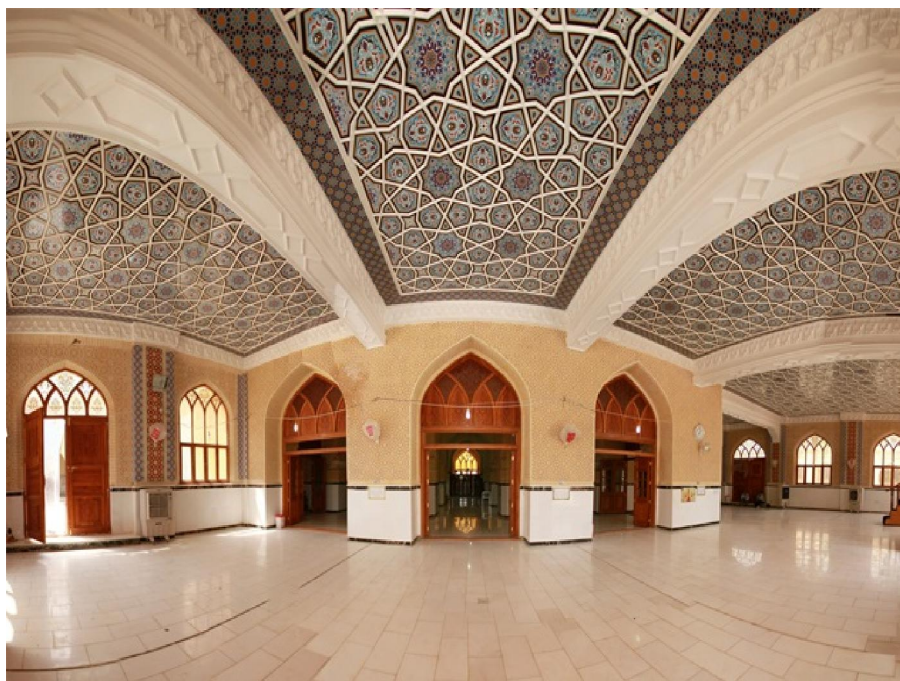


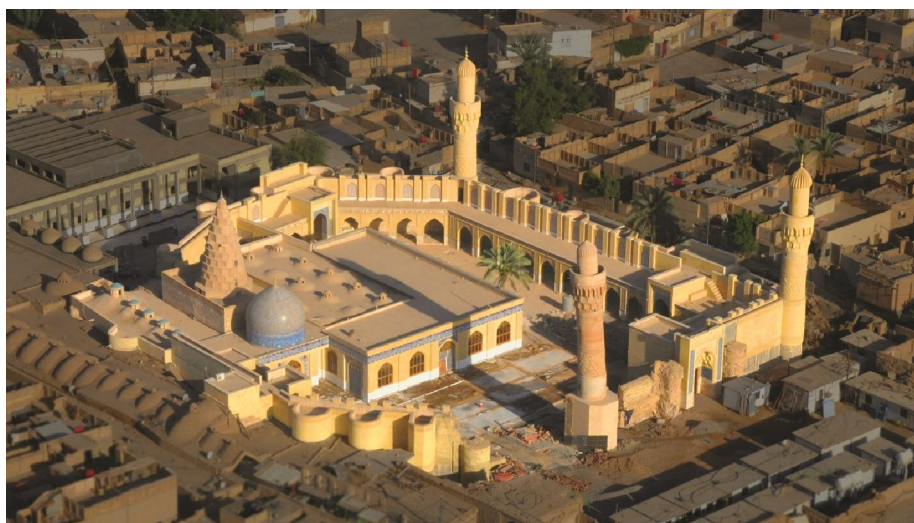
13-1-2014













پژوهشگده ها و آموزشگده هاي بنياد حيات اعلى

علوم معرفت الهى - علوم زبان وحى - علوم كلام وحى

علوم تلاوت كلام وحى - علوم كلام خازنان وحى - علوم فقه آئين الهى

علوم تقويم نجوم تخيم - علوم طب جامع - علوم پاكزيستى

آموزش برتر (اعلى) - علوم برتر (اعلى) - علوم توانمندى بانسروى الهى

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسى - رسانه هاي حيات اعلى

طرح و برنامه ريزى پژوهشى و مديريت و اشراف علمى

دار المعارف الإلهية

۹ ماه رجب ۱۴۳۹

www.Aelaa.net

والحمد لله رب العالمين